

جالس‌های اخلاقی سفته‌بازی در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی با محوریت آیه ۳۴ سوره «توبه» براساس دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی

رضا شاه‌منصوری / دانشجوی دکتری تربیت مدرس اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم

rez.mansoor@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-8113-1576



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

چکیده

در سال‌های گذشته با بروز برخی مشکلات اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارزهای بین‌المللی این انگیزه در بخشی از افراد جامعه شکل گرفت تا با سرمایه‌گذاری در بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو از این بستر منافی ببرند. با شیوع این نگرش در تعداد قابل توجهی از افراد جامعه، اهمیت بررسی ابعاد مختلف قانونی، اقتصادی، فقهی و اخلاقی این نوع سفته‌بازی امری واضح است. البته بررسی دقیق و علمی هر کدام از ابعاد مذکور نیازمند پژوهشی جداگانه است. اما با توجه به اینکه بررسی ابعاد اخلاقی این قبیل سفته‌بازی‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است، ضرورت تبیین این بُعد، از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ابعاد اخلاقی این نوع فعالیت‌های اقتصادی با محوریت آیه ۳۴ سوره «توبه» و براساس دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی می‌پردازد. نتیجه پژوهش اینکه با خرید و حبس ارز، مسکن و خودرو و با ورود نقدینگی به این بازارها جریان معاملات اقتصادی و رونق آنها دچار اختلال می‌شود و از این جهت امری غیراخلاقی است. همچنین ورود به این نوع سفته‌بازی‌ها آسیب‌های اخلاقی همچون تقدم منفعت شخصی بر منفعت جامعه، بی‌اعتنا نسبت به قشر ضعیف جامعه، اشتیاق نسبت به آشفستگی و گرانی در اقتصاد و شادمانی از ضرر دیگران را در پی دارد.

کلیدواژه‌ها: خرید ارز و مسکن و خودرو، نظام اقتصادی، آسیب‌های اخلاقی، علامه طباطبائی، منافع شخصی و جمعی.

مقدمه

در سال‌های اخیر با بروز برخی مشکلات اقتصادی در جامعه و کاهش ارزش پول ملی بعضی افراد برای بهره‌مندی از شرایط موجود و کسب سود به سفته‌بازی در بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو روی آوردند. غالباً ورود به عرصه سرمایه‌گذاری در این بازارها از لحاظ قانونی منعی ندارد؛ همچنین ممکن است در بعضی بازه‌های زمانی سود سرشاری نیز در پی داشته باشند، اما اینکه آیا از لحاظ اخلاقی نیز چنین فعالیت‌های اقتصادی مجازند یا خیر نیازمند بررسی و دقت بیشتری است. آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» به این مسئله اشاره دارد و با توجه به آن می‌توان ابعاد اخلاقی این نوع سفته‌بازی‌ها را بررسی کرد. همچنین روایاتی که چارچوب‌های اقتصادی را بیان می‌کنند نیز می‌توانند برای روشن شدن بهتر وظایف اخلاقی در این امور مؤثر باشند.

آیه شریفه از کنز طلا و نقره نهی می‌کند و وعده عذاب الهی به آنها می‌دهد. مفسران معانی مختلفی برای کنز بیان کرده‌اند. بنا بر دیدگاه برخی مفسران از جمله علامه طباطبائی کنز را نه به معنای مال زکات داده‌نشده یا جمع‌آوری مطلق مال، بلکه به معنای جمع‌آوری و حبس سکه طلا و نقره به عنوان ثمن معاملات و جلوگیری از جریان آن در معاملات جامعه بیان می‌کنند. این کار به دلیل اختلال در نظام اقتصادی و تقدم نفع شخصی بر نفع جمعی قبیح است. همین امر در خرید و حبس ارز، سکه طلا، مسکن و خودرو نیز جاری است. بنابراین با استفاده از این آیه شریفه با تأکید بر تفسیر *المیزان* می‌توان ابعاد اخلاقی این نوع معاملات را بررسی کرد.

با توجه به اینکه امروزه افراد بسیاری در جامعه یا به این عرصه‌های اقتصادی ورود کرده‌اند یا تمایل به ورود به آنها را دارند و از سوی دیگر ممکن است چنین اموری دارای آسیب‌های اخلاقی جدی باشند، بنابراین توجه و بررسی ابعاد اخلاقی این نوع از سفته‌بازی امری مهم و ضروری است. همچنین بررسی این ابعاد از منظر آیات و به‌ویژه دیدگاه اندیشمند بزرگ معاصر علامه طباطبائی اهمیت و جایگاه خاص خود را دارد.

درباره پیشینه این تحقیق باید گفت معمولاً مسئله سفته‌بازی در بازار ارز، مسکن و خودرو از جهاتی مانند جهت قانونی، جهت فقهی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نوعاً تحقیقات یا تبیین‌های منتشرشده در زمینه قانونی و احکام فقهی در حد مطالب مختصر رسانه‌ای است و پژوهش علمی مفصل در زمینه قانونی یا فقهی کمتر به چشم می‌خورد. اما درباره ابعاد اخلاقی این نوع امور اقتصادی باید گفت متأسفانه این ابعاد به صورت دقیق در مقالات علمی بررسی نشده است. بنابراین وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات قبلی این است که به نحو تفصیلی و به نحو خاص ابعاد اخلاقی سفته‌بازی در بازار ارز، مسکن و خودرو را با توجه به دیدگاه علامه طباطبائی به‌ویژه ذیل آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» در کانون بررسی قرار می‌دهد.

این پژوهش در پی پاسخ به این سوالات است که از منظر علامه طباطبائی به‌ویژه ذیل آیه ۳۴ سوره «توبه» سفته‌بازی در بازارهای همچون ارز، مسکن و خودرو چه تأثیراتی در نظام اقتصادی جامعه دارد؟ ملاک اخلاقی برای کارهای اقتصادی در اسلام چیست؟ ورود به این عرصه‌های سفته‌بازی با توجه به علامه طباطبائی چه چالش‌ها و آسیب‌های اخلاقی را در پی دارد؟

فرضیه تحقیق اینکه با توجه به آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» سفته‌بازی و حبس و عدم اجاره ورود کالا به چرخه معاملات در بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو منجر به عدم تعادل بین عرضه و تقاضا شده و منجر به بالا رفتن قیمت آنها و کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم می‌شود که این اثر به اندازه خود اختلال در نظام اقتصادی جامعه به شمار می‌آید. همچنین سفته‌بازی و حبس این موارد موجب آسیب در چرخه اقتصاد و برخلاف منافع اجتماعی است. از سوی دیگر بنا بر منابع دینی هر کاری که منجر به ضرر جمعی در اقتصاد شود هرچند با سود شخصی همراه باشد قبیح است. از جمله آسیب‌های موجود در این نوع سفته‌بازی مربوط به روان‌شناسی اخلاق یعنی بی‌توجهی به قشر ضعیف جامعه و خوشحالی از آسیب دیدن معیشت آنها در قبال منافع شخصی است که قطعاً از لحاظ اخلاقی قبیح است.

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و برای حل مسئله از استدلال‌های عقلی، آیات و روایات استفاده کرده است.

۱. تفسیر آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه»

علامه طباطبائی ذیل آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» به نحو خاص مباحثی مطرح می‌کنند که می‌توان از آنها به ابعاد اخلاقی خرید ارز از منظر ایشان دست یافت.

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتَنُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید (متوجه باشید که) بسیاری از اخبار و رهبان اموال مردم را به باطل می‌خورند و از راه خدا جلوگیری می‌کنند و کسانی که طلا و نقره گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناکی بشارت‌تشان ده.

قبل از این آیه شریفه در آیاتی خداوند تعالی به باورهای شرک‌آلود برخی از یهودیان و مسیحیان اشاره کرده و آنها را از این جهت که نسبت به بعضی مخلوقین قائل به وجوهی از الوهیت بودند مذمت می‌کند. آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ در بخش اول آیه در ادامه همان نکات قبلی به این نکته اشاره می‌شود که برخی از دانشمندان یهودی و راهبان مسیحی از راه باطل و نامشروع اموال مردم را تصاحب می‌کنند و مردم را از راه رسیدن به خداوند بازمی‌دارند. این قسمت از آیه شریفه محل ارجاع در این تحقیق نیست.

اما در قسمت دوم که متناسب با محل بحث در این تحقیق است دیگر بحث مختص به بعضی از اهل یهود و نصارا نیست، بلکه مسئله‌ای بیان می‌شود که شامل همه افراد حتی مسلمین نیز می‌شود. خداوند تعالی می‌فرماید کسانی را که طلا و نقره که از اسباب مبادلات اقتصادی در آن زمان بود را جمع‌آوری، حبس و پنهان می‌کنند و آنها را در راه خداوند انفاق نمی‌کنند به عذاب الیم بشارت بده.

در تفسیر این قسمت از آیه شریفه ابتدا باید مقصود از واژه «یکنزون» مشخص شود. کنز در لغت به معنای جمع‌آوری، حبس و پنهان کردن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۴۱).

درباره معنای کنزی که در آیه شریفه مورد مذمت قرار گرفته، در تفاسیر مطالب مختلفی بیان شده است. بعضی مفسران با تکیه بر برخی روایات کنز مذموم را مالی بیان کرده‌اند که زکات آن پرداخت نشده است. بنابراین اگر کسی زکات مال خود را بپردازد از این جهت منعی برای جمع‌آوری مال ندارد. با توجه به تعریف کنز به عدم پرداخت زکات، مقصود آیه شریفه از طلا و نقره نیز تعمیم داده شده و شامل طعام نیز دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۱۰). بعضی مفسران با تکیه بر برخی روایات، کنز مذموم را مال انباشته‌شده‌ای معرفی می‌کنند که بیش از دو هزار درهم باشد. بنابراین تفاسیر مال انباشته‌شده منحصر در سکه طلا و نقره و پول رایج آن زمان بوده است و تعمیم به طعام داده نشده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۷). بنابراین نظر طلا و نقره‌ای که انباشته شده و حبس شوند کنز هستند چه زکات آنها پرداخته شده باشد یا نشده باشد.

برخی روایات در تفسیر آیه شریفه فرموده‌اند در زمان غیبت شیعیان در حال رخصت و آزادی هستند تا اموال خود را در امور معروف و خیر خرج کنند اما با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ایشان دستور داده تا تمام کنزها و اموال انبار و مخفی شده تحویل داده شود تا در راه مبارزه با دشمنان مورد استفاده قرار گیرند و مقصود آیه شریفه از کنز را همین امر دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۱). از این روایت نیز می‌توان این را فهمید که کنز مختص به اموالی که زکات آنها داده شده باشد نیست، بلکه در شرایط خاص اجتماعی شامل اموالی که زکات آنها داده شده نیز می‌شود.

در مقابل برخی مفسران ابعاد جدیدی از مفهوم آیه شریفه بیان نموده و عمق بیشتری به معارف آن بخشیده‌اند. در توضیح کلام آنها باید گفت با شکل‌گیری زندگی اجتماعی، بشر برای رفع نیازهای خود مواد مازاد نیاز خود از محصولات کشاورزی، دامی و غیره را به فروش می‌رساند؛ این معاملات به صورت مبادله کالا به کالا صورت می‌گرفت. از آنجاکه معامله کالا به کالا دارای مشکلات خاص خود است بشر برای رونق و گردش راحت‌تر معاملات پول را اختراع کرد. طلا و نقره به عنوان پول گران‌قیمت و ارزان‌قیمت دو گزینه انتخابی بشر بودند. در آیه شریفه نیز مطلق مال ذکر نشده، بلکه مقصود از دو واژه طلا و نقره پول رایج معاملات در جامعه است. بنابراین طرف خطاب آیه شریفه با کسانی است که پول رایج جامعه را حبس و پنهان می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۴۸؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۹۳).

علامه طباطبائی نیز در تفسیر شریف *المیزان* با نگاهی متفاوت به تفسیر آیه شریفه پرداخته‌اند. ایشان درباره قسمت ابتدایی آیه شریفه نکاتی می‌فرمایند که مناسب با تحقیق است و آن اینکه چند آیات شریفه گذشته در مقام بیان آسیب‌هایی است که بزرگان بیهود و نصاری برای جامعه دارند که موجب فساد جامعه انسانی می‌شود؛ از سویی در ابتدای این آیه شریفه به اکل به باطل اموال مردم توسط آنها اشاره می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت امور اقتصادی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که قوام جامعه به آن است. با آسیب به نظام اقتصادی قوام آن نیز به مخاطره می‌افتد. از فرمایش ایشان می‌توان این نکته را فهمید که این آیه شریفه نیز در پی بیان امری است که منجر به فساد اجتماعی می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۲-۳۳۵).

بنا بر نظر ایشان در قسمت دوم آیه شریفه که نهی از «کنز» می‌کند هیچ دلیل لفظی و ظاهری وجود ندارد که حکم مختص به یهود و نصاری باشد؛ پس این نهی شامل مسلمین نیز می‌شود. همچنین در تمامی استعمالات کنز معنای مخفی کردن وجود دارد و علت استعمال آن در آیه شریفه این است که معمولاً در قدیم سکه‌های طلا و نقره خود را به صورت دفینه دفن می‌کردند تا از سرقت محفوظ بماند. بنابراین مقصود از کنز در آیه شریفه سکه طلا و نقره به عنوان پول رایج در آن زمانه است؛ اما در تبیین بیشتر می‌فرمایند آیه شریفه همه مردم حتی مسلمین را نهی می‌کند که پول رایج جامعه را جمع‌آوری و پنهان کنند؛ چراکه این امر هرچند دارای منفعت شخصی است، اما منجر به آسیب به نظام اقتصادی و در پی آن ایجاد فساد در بنیان جامعه انسانی می‌شود (همان). پس با توجه به نکات قبل باید گفت مقصود از کنز صرف جمع‌آوری و داشتن پول رایج نیست بلکه مخفی کردن و حبس آن و جلوگیری از جریان این پول در چرخه اقتصاد است.

با توجه به اینکه مبادلات اقتصادی متوقف بر وجود پول رایج است و از طرف دیگر مقدار پول بی‌نهایت نیست و محدود است پس اگر گروهی قصد داشته باشند پول رایج را حبس کنند و از چرخه اقتصاد کنار بکشند قطعاً مبادلات اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین این جمع‌آوری و حبس منجر به اختلال در چرخه و رونق اقتصاد در جامعه می‌شود. از سوی دیگر علامه برخلاف دیدگاه غزالی قائل به این هستند که خود سکه طلا و نقره به‌خودی‌خود نیز دارای ارزش ذاتی هستند و به همین دلیل معیار ارزش‌گذاری اجناس شده‌اند (همان، ج ۲، ص ۶۶۴). بنابراین حبس پول رایج و کمبود آن در جامعه منجر به بالا رفتن ارزش خود این پول رایج نیز می‌شود.

علاوه بر اینکه این افراد به مصالح حیات اجتماع لطمه زده‌اند، به خدا و رسول هم خیانت کرده‌اند؛ زیرا مال را از نظر زمامدار اجتماع پنهان نموده‌اند. در نتیجه در یک گوشه اجتماع مال فراوانی دفن و روی هم انباشته شده، درحالی که در گوشه‌های دیگر اجتماع احتیاج ضروری به پول، حیات اجتماع را تهدید می‌کند. اگر صاحب مال، ثروت خود را از نظر حاکم و زمامدار پنهان نمی‌کرد و در دست افراد به گردش و جریان می‌انداخت در چنین موقع حساسی که یگانه راه علاج و تنها وسیله حاجت پول است زمامدار آن پول را می‌گرفت و حاجت اجتماع را برمی‌آورد، پس او با این عمل خود به خدا و رسول نیز خیانت کرده است (همان، ج ۹، ص ۳۳۴).

پس باید گفت نهی آیه شریفه نهی از داشتن پول نیست بلکه نهی از حبس آن است، چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزارها برابر آن دفینه ثروت می‌داشت ولی آن را حبس نمی‌کرد، بلکه آن را در معرض جریان در معاملات جامعه قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت. بلکه نهی صرفاً به‌دلیل حبس مال و اختلال در نظام اقتصادی است (همان).

همچنین در آیه شریفه نهی از کنز پول رایج، به دلیل عدم اتفاق آن است که بنا بر نظر علامه مقصود صرفاً زکات نیست، بلکه صرف این پول در هر امری است که در جامعه و حفظ بقای آن ضرورت دارد. پس نهی از کنز

اموال نهی از داشتن اموال نیست بلکه نهی به جهت حبس پول رایج معاملات و خرج نکردن آن در اموری است که برای اجتماع ضرورت دارد (همان).

۲. مصادیق امروزی کنز مذموم

بنا بر آیه شریفه حبس ارز رایج در معاملات کشور از این جهت که موجب کمبود آن و افزایش قیمت آن و اختلال در اقتصاد می‌شود امری مذموم است.

اما به‌طور کلی می‌توان گفت قاعده کلی که از این آیه شریفه و نهی از کنز مال به دست می‌آید این است که هرگونه جمع‌آوری و حبس اموالی که موردنیاز و ضروری جامعه است و منجر به اختلال در دسترسی مردم به آنها و افزایش قیمت آنها شود قبیح است؛ زیرا منجر به اختلال در اقتصاد و نظم اجتماعی می‌شود.

با توجه به مشخص شدن مقصود آیه شریفه می‌توان برخی مصادیق این حکم کلی را در اقتصاد امروز جامعه بررسی کرد. با بروز برخی مشکلات اقتصادی در سال‌های اخیر و افت ارزش پول ملی و در پی آن افزایش سرسام‌آور قیمت ارزهای خارجی، این انگیزه در برخی افراد جامعه ایجاد شد تا با سفته‌بازی در این زمینه و خرید و حبس ارزهای خارجی از بستر ایجادشده استفاده کنند و نه تنها دچار آسیب اقتصادی نشوند، بلکه سود سرشاری نیز به دست آورند. اما نفس ورود نقدینگی و سرمایه‌ها به سوی این بازار تأثیراتی منفی بر اقتصاد به همراه دارد.

در توضیح بیشتر این مسئله باید یادآور شد یکی از علل رشد بی‌رویه قیمت ارز کمبود آن در کشور است؛ بنابراین با هجوم تقاضا به سمت ارز از داخل کشور این کمبود عمق بیشتری یافته و فاصله عرضه و تقاضا روز بروز بیشتر می‌شود؛ لذا نفس این تقاضای کاذب موجب رشد بیش‌تر قیمت ارز و کاهش بیشتر ارزش پول ملی می‌شود.

بنابراین با توجه به تفسیر آیه شریفه می‌توان یکی از مصادیق بارز کنز مذموم در آیه شریفه را خرید و حبس ارزهای خارجی و خارج کردن آنها از چرخه اقتصاد بیان نمود. در صورتی که این نوع سفته‌بازی تبدیل به جریانی در کشور شود و تعداد قابل‌توجهی از مردم به این سمت حرکت کنند آثار مخربی بر اقتصاد به بار می‌آورد؛ زیرا این عمل از سویی به دلیل کاهش میزان ارز در کشور مبادلات جامعه را با کشورهای دیگر دچار مشکل می‌کند و از سوی دیگر موجب افزایش ارزش‌ها و به معنای دقیق‌تر کاهش ارز پول ملی می‌شود؛ در این شرایط هم چرخه مبادلات اقتصادی با جامعه جهانی به مشکل برمی‌خورد و هم با کاهش ارزش پول ملی اقشار مختلف جامعه روزبه‌روز با گرانی‌های پی‌درپی و کاهش قدرت خرید و سختی و تنگی در امر معیشت مواجه می‌شوند (همان، ج ۹، ص ۳۴۸).

البته این مسئله مختص به بازار ارز نیست، بلکه امور دیگری نیز در اقتصاد جامعه وجود دارد که در عین اینکه از مایحتاج ضروری جامعه هستند در صورت ورود نقدینگی و سرمایه‌گذاری در آنها و در ادامه حبس آنها در اقتصاد جامعه اختلال پدید می‌آید.

درحقیقت علت و منشأ مذمت و حرمت احتکار در جامعه نیز به همین نکته برمی‌گردد. در روایتی از رسول خدا ﷺ کسی که اجناس موردنیاز جامعه را وارد بازار کند مورد تأیید و تحسین و محکومین تقبیح و ملعون خوانده شده‌اند: «الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُخْتَكِرُ مَلْعُونٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۵). در روایت دیگر از رسول خدا ﷺ نقل شده است: مکانی در جهنم وجود دارد که مختص به سه گروه از گنهکاران است؛ از جمله آنها اهل احتکار هستند: «عَنْ جَبْرِئِيلَ ﷺ قَالَ اطَّلَعْتُ فِي النَّارِ - فَرَأَيْتُ وَاوِدًا فِي جَهَنَّمَ يَغْلِي فَقُلْتُ يَا مَالِكُ لِمَنْ هَذَا فَقَالَ لِثَلَاثَةِ الْمُخْتَكِرِينَ وَالْمُذْمَنِينَ الْخَمْرَ وَالْقَوَادِينَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۲۶).

یکی از این بازارها، بازار مسکن است. به دلیل تولید کم مسکن در سال‌های گذشته و عدم تعادل بین نظام عرضه و تقاضا سفته‌بازی در این عرصه برای کسب سود موجب بیشتر شدن تقاضای کاذب و فوران کردن آتش افزایش قیمت‌ها در این بازار می‌شود. در حقیقت معنای کنز یعنی جمع‌آوری و حبس، در این بازار مصداقی همچون خانه‌های خالی دارد. برخی افراد برای کسب سود و بالا بردن قیمت‌ها سعی در خرید خانه و خالی نگاه داشتن آن دارند. برخی مسئولان با بیان اینکه سرمایه‌های هنگفتی از کشور در دو و نیم میلیون واحد مسکونی خالی از سکنه حبس شده است گفتند ایران ده برابر کشور انگلیس خانه خالی دارد (خبرگزاری ایسنا، ۲۸ فروردین ۱۴۰۰). این امر در حالی است که کشور با نیاز مبرم خانه مواجه است و در اثر نبود تعادل بین عرضه و تقاضا روزه‌روز قیمت مسکن بالاتر و برای اقشار ضعیف دست‌نیافتنی‌تر می‌شود.

البته برای جلوگیری از این آسیب اقتصادی قوانینی همچون وضع مالیات بر خانه‌های خالی در دست اجراست. بنابراین یکی از مصداقی بارز کنز مالی که از مایحتاج ضروری مردم است و موجب اختلال در نظام اقتصادی و اجتماعی می‌شود خرید و حبس خانه خالی است.

دقیقاً همین امر در بازار خودرو نیز به چشم می‌خورد؛ بازاری که خود از افزایش قیمت ارز آسیب دیده است، سیل تقاضای کاذب موجب می‌شود تا تولیدات آن به دست مصرف‌کننده حقیقی نرسد و هرگز تعادلی بین عرضه و تقاضا ایجاد نشود؛ لذا فاصله بسیاری بین قیمت کارخانه و بازار به وجود آمده و روزه‌روز بر قیمت آن افزوده می‌شود. این مصداق کنز در دو صورت قابل تصور است. یکی از طریق خودروسازان و دیگر از طریق مردم.

در صورت اول خودروسازان با انبار کردن ماشین‌ها به بهانه‌های مختلف و عدم تزریق میزان لازم از آن به جامعه نقش مهمی در افزایش قیمت آن دارند. به گفته برخی مسئولان کشور تعداد خودروهای انبارشده در خودروسازی‌ها حدود دویست هزار عدد می‌رسد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۹ دی ۱۴۰۰). این مسئله خود هم مصداقی از کنز خودرو است که امروز از مایحتاج ضروری زندگی مردم شده است و هم عاملی برای شکاف بیشتر بین عرضه و تقاضا در جامعه و افزایش روزافزون قیمت خودرو در کشور.

صورت دوم ورود تقاضای کاذب از طرف مردم به بازار خودرو است. از یک سو خودروساز عرضه خود را کاهش داده است و از سوی دیگر مردم برای کسب سود بدون اینکه نیاز واقعی داشته باشند به نام تمام اعضا خانواده برای

خرید خودرو اقدام می‌کنند. پس از تحویل خودرو طبیعتاً مدتی باید صبر کرد تا قیمت خودرو روزبه‌روز بالا برود و خریدار بیشترین سود را از اختلاف قیمت خودرو در کارخانه و بازار ببرد. این هجوم تقاضای کاذب موجب می‌شود هرگز همان عرضه ناقص خودرو توسط خودروساز نیز به نیازمندان واقعی نرسد و روزبه‌روز قیمت آن در بازار افزایش و در نظم اقتصادی و اجتماعی اختلال پدید آید.

در یک نمونه که شاهدهی بر هر دو صورت است برای عرضه فقط یازده هزار خودرو توسط یکی از خودروسازان حدود پنج میلیون نفر ثبت نام کردند (خبرگزاری ایمن، ۲۳ بهمن ۱۴۰۰). این خود نشانه بارزی از عدم ورود خودرو کافی از سمت خودروساز و هجوم غیرطبیعی مصرف‌کنندگان غیرواقعی برای خرید خودرو است. بنابراین می‌توان گفت کنز مذموم و مورد نهی در آیه شریفه در جامعه امروز مصادیق بسیاری دارد که از جمله آنها می‌توان به سفته‌بازی در بازار ارزهای خارجی، مسکن و خودرو و حبس آنها و جلوگیری از ورود آنها به چرخه مبادلات اقتصادی کشور برای کسب سود شخصی اشاره کرد.

۳. استدلال‌های اخلاقی علیه سفته‌بازی در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی

پس از اینکه مشخص شد سفته‌بازی در بازارهایی همچون ارزهای خارجی، مسکن، خودرو و حبس آنها از جمله مصادیق کنز مذموم در آیه شریفه هستند، یا به عبارتی دیگر حکم آیه شریفه شامل موارد ذکر شده نیز می‌شود. در این قسمت به بررسی ابعاد اخلاقی این نوع سفته‌بازی‌ها پرداخته می‌شود. این نکته باید مدنظر گرفته شود که قطعاً این نوع سفته‌بازی‌ها از جهاتی همچون قانونی و فقهی نیز قابل بررسی است، اما در این قسمت فارغ از ابعاد قانونی یا فقهی آن، صرفاً ابعاد اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود. این نوع سفته‌بازی‌ها از بُعد اخلاقی از چند جهت یا می‌توان گفت به چند دلیل قبیح و غیراخلاقی است که در ادامه به صورت تفصیلی بیان می‌شود.

۳-۱. اختلال در اقتصاد جامعه

همان‌گونه که بیان شد، حرکت سرمایه و نقدینگی در جامعه به سمت بازارهای ارز، مسکن و خودرو و انباشت و حبس آن موجب اختلال در معاملات مایحتاج مردم و اقتصاد جامعه می‌شود. برای نمونه حبس ارز در دست برخی اقشار جامعه و کاهش ارزش پول ملی، منتهی به افزایش فاصله طبقاتی می‌شود؛ عده‌ای روزبه‌روز ثروتمندتر و اقشار جامعه روزبه‌روز ضعیف‌تر و سفره آنها کوچک‌تر می‌شود. همچنین در بازار مسکن و خودرو با افزایش قیمت بر اثر عدم تعادل بین عرضه و تقاضا روزبه‌روز خرید مسکن و خودرو برای اقشار کم‌درآمد سخت‌تر و حتی غیرممکن می‌شود.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» می‌فرمایند: مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را براساس خود پایدار می‌دارد، اقتصاد جامعه است؛ خداوند اقتصاد را مایه قوام اجتماع قرار داده.

اگر ریشه انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم به صورت دقیق بررسی شود روشن می‌شود علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی، گرانفروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می‌کند، و یا ثروت بی‌حساب است که انسان را به اسراف و ول خرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه سکنی و همسر، و بی‌بندوباری در شهوات، هتک حرمت‌ها، شکستن قرق‌ها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی‌دارد؛ و همه این مفاسد که از این دو ناحیه ناشی می‌شود هر یک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۰). بنا بر نظر ایشان علت اینکه آیه شریفه که در مقام بیان فساد بزرگان یهود و نصاری است و به اکل مال مردم به باطل اشاره می‌کند نیز همین است؛ چراکه اخلال در اقتصاد منجر به فساد اجتماعی می‌شود (همان، ج ۹، ص ۳۳۱). برخی پژوهش‌ها به بررسی تأثیر عواملی همچون فقر، بیکاری، تورم در بروز جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی در ۷۷ کشور جهان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که برآورد الگوهای مختلف نشان داد که مشکلات اقتصادی مانند بیکاری، فقر، تورم و نابرابری درآمدی احتمال وقوع جرم توسط افراد جامعه را به طور معناداری افزایش می‌دهد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۷).

بنابراین باید گفت این نوع سفته‌بازی بنا بر آیه شریفه منجر به فساد جامعه و بروز انواع گناهان و جنایات می‌شود، لذا به صورت قطعی چنین سفته‌بازی از لحاظ اخلاقی قبیح و امری غیراخلاقی است.

در حدیثی از امام باقر^{علیه السلام} درباره سکه طلا و نقره سؤال شد و ایشان فرمودند: «درهم و دینار مهربهای خداست که خدا آنها را برای مصلحت خلق خود درست کرده تا به وسیله آن، شئون زندگی و خواسته‌هایشان تأمین شود...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۰). در حقیقت از این روایت نیز به همین مسئله می‌توان دست یافت که اندوختن و احتکار پول، مساوی با لغویت ارزش اشیا و بی‌اثر گذاردن پولی است که احتکار شده، چون اگر احتکار و حبس نمی‌شد به قدر وسعش در زنده نگاه داشتن و به جریان انداختن معاملات و گرم کردن بازار در اجتماع اثر می‌گذاشت، و بی‌اثر کردن آن با تعطیل کردن بازار برابر است، و معلوم است با رکود بازار، حیات جامعه متوقف می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۰).

نکته قابل توجه اینکه همان‌طور که حبس پول رایج به دلیل خلل در رونق معاملات و اقتصاد جامعه امری مذموم است، این یک حکم کلی است؛ به این معنا که هر نوع معامله‌ای که اثر اجتماعی آن به گونه‌ای باشد که موجب فساد در نظام اقتصاد جامعه شود نیز مذموم و غیراخلاقی است. بنابراین سفته‌بازی در بازارهایی همچون مسکن و خودرو نیز به دلیل اینکه در مایحتاج ضروری زندگی مردم هستند و از سوی دیگر این نوع سفته‌بازی و حبس منجر به اختلال در دسترسی مردم به آنها و اختلال در نظم اقتصادی و به تبع آن نظام اجتماعی شود باید گفت این نوع سفته‌بازی‌ها نیز غیراخلاقی هستند.

به همین صورت در طرف مقابل هر کاری که منجر به ایجاد رونق در معاملات و بازار شود امری حسن به‌شمار می‌رود و باتوجه به ادله گذشته می‌توان گفت موجب رونق اقتصادی و اصلاح جامعه می‌گردد.

علامه طباطبائی در همین زمینه ذیل آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْکُمْ» (نساء: ۲۹) می‌نویسد: مقصود از باطل معاملات ربوی، غرری، قمار و... هستند که این معاملات اثرات اجتماعی نیز دارد از جمله این که موجب فساد و هلاکت اجتماع می‌شوند. جای این توهم بود که معاملات به‌طور کلی باعث انهدام ارکان اجتماع می‌شود، و اجزای جامعه را متلاشی و مردم را هلاک می‌کند؛ لذا قرآن کریم پاسخ می‌دهد خیر، همه معاملات این‌گونه نیستند، بلکه یک نوع معامله وجود دارد که نه‌تنها آن مفاسد را ندارد، بلکه توانایی آن را دارد که پراکندگی‌های جامعه را جمع کند، و جامعه را از نظر اقتصاد پابرجا سازد، و استقامتش را حفظ نماید، و آن تجارتی است که ناشی از رضایت طرفین و هم از نظر شرع مقدس صحیح باشد، و این است آن تجارتی که حوایج جامعه را بر آورده خواهد کرد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۰۱).

بنابراین هر کار اقتصادی که موجب رونق بازار و در ادامه رونق اقتصاد و قوام جامعه انسانی شود نیز از لحاظ اخلاقی حسن و قابل تحسین است.

۳-۲. تقدم نفع شخصی بر جمعی

یکی دیگر از ادله و وجوه غیراخلاقی بودن این نوع سفته‌بازی تقدم نفع شخصی بر منافع جمعی است. از مطالب گذشته مشخص شد که حرکت سرمایه‌ها و نقدینگی به سمت بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو و حبس آن اگر چه برای سرمایه‌گذاران در این زمینه سود و منفعت به همراه دارد اما به دلیل ایجاد خلل در چرخه مبادلات اقتصادی و همچنین افت ارزش پول ملی و دور از دسترس و گران شدن روزافزون مسکن، خودرو منجر به ضرر به منافع جمعی می‌شود. قرآن کریم در آیه بعد از آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» درباره عذاب اخروی حبس‌کنندگان پول رایج می‌فرماید: «یَوْمَ یُخْمَى عَلَیْهَا فِی نَارٍ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه: ۳۵)؛ (و آن عذاب) در روزگاری است که آن دفینه‌ها را در آتش سرخ کنند و با آن پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ نهند (و بدیشان بگویند) این است همان طلا و نقره‌ای که برای خود گنج کرده بودید اکنون رنج آن را به خاطر آنکه روی هم انباشته بودید بچشید. علامه طباطبائی با استفاده از این آیه شریفه می‌فرماید: از تعبیر «هذا ما کَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» مشخص می‌شود این عذاب در آخرت برای این افراد به این دلیل است که منفعت شخصی خود را بر منافع اجتماع مقدم داشته‌اند؛ لذا به آنها گفته می‌شود این همان چیزی است که برای خود انباشته کرده بودید. با وجود احتیاج ضروری در جامعه حبس مال با انگیزه منفعت شخصی و تقدم این منفعت بر منافع جمعی امری قبیح و موجب عذاب اخروی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۳).

عدم تقدم منافع شخصی بر منافع جمعی یکی از قواعد ثابت در امور اقتصادی و تخطی از آن کاری غیراخلاقی و قبیح است. سفته‌بازی در بازار ارز یکی از مصادیق این امر غیراخلاقی است و مصادیق دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. برای نمونه یکی از مصادیق دیگر آن مسئله احتکار است. فرد محترک نیز با احتکار کالا منافع شخصی خود را بر منافع جمعی مقدم می‌دارد؛ لذا نسبت به این نوع سفته‌بازی نیز نهی صورت گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۵).

علامه طباطبائی یکی از ویژگی‌های حکومت اسلامی را این بیان می‌فرماید که در آن هرگز منافع و خواست یک شخص بر منافع اجتماع مقدم نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۲). بنابراین باید گفت دومین دلیل بر غیراخلاقی بودن این نوع سفته‌بازی تقدم نفع شخصی بر منافع جمعی است.

۳-۳. آسیب‌های روان‌شناختی اخلاقی

از جمله وجوه غیراخلاقی بودن این نوع سفته‌بازی اشتیاق به نفعی است که مستلزم ضرر دیگر افراد است. درواقع کسی که مقادیری ارز، مسکن و خودرو خریداری نموده و سپس می‌کند با این امید دست به این کار می‌زند که قیمت آنها افزایش یافته و از این طریق منفعت ببرد. اما آنچه مسلم است این است که گرانی این امور مساوی با کاهش ارزش پول ملی و گرانی مسکن و خودرو و فشار اقتصادی و معیشتی به اقشار مختلف جامعه به‌ویژه اقشار کم‌درآمد و فقیر است؛ اما با این حال، سرمایه‌گذار اساساً برای همین گرانی قدم در این عرصه گذاشته است و با وجود علم به آسیبی که اقشار جامعه از این گرانی می‌برند باز هم به آن اشتیاق دارد.

از سوی دیگر در صورت وقوع این گرانی این امور که سرمایه‌گذاران در آن خود یکی از عاملان آن بوده‌اند هرچند اقشار ضعیف جامعه آسیب دیده و در معیشت با مشکل مواجه شده‌اند، اما این امر سرمایه‌گذاران را شادمان می‌کند. این یکی از آسیب‌های جدی اخلاقی برای این قبیل سفته‌بازی است.

بنا بر آیات شریفه قرآن کریم توجه و اهمیت دادن به وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد جامعه وظیفه‌ای مهم برای مؤمنان است؛ از این رو در آیات متعدد به مسئله انفاق و خدمت به خلق سفارش شده است.

در آیه شریفه درباره حضرت عیسی علیه السلام آمده است: «وَجَعَلْنِي مُبَارِكًا أَيُّهَا مَنْ كُنْتُ» (مریم: ۳۱). علامه طباطبائی علت توصیف حضرت عیسی علیه السلام به مبارک بودن را نفع رساندن زیاد به مردم بیان می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۴۷). بنابراین توجه به منافع مردم و تلاش در نفع رساندن به آنها از صفات برجسته انبیاست.

در آیه شریفه دیگر در اهمیت توجه و انفاق به اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه آمده است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنَّكُمْ إِلاَّ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (یس: ۴۷)؛ علامه طباطبائی ذیل آیه شریفه ابتدا ریشه بی‌توجهی و عدم انفاق به فقرا را در کفر و تبعیت از شهوات و روگردانی از دعوت فطرت بیان می‌فرماید. ایشان در توضیح روگردانی از فطرت می‌فرمایند فطرت هر انسانی حکم

می‌کند که باید نسبت به خلق خدا شفقت ورزید، و آنچه که در اجتماع فاسد گشته اصلاح کرد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۳۸).

علامه طباطبائی درباره عواقب سنگین ترک انفاق به فقرا ذیل آیه شریفه دیگری می‌فرماید امتناع ورزیدن از اصل انفاق بر فقرا، در صورتی که فقرایی در جامعه باشند و احتیاج به کمک داشته باشند از گناهان کبیره مهلک‌تر است. خدای تعالی بعضی از اقسام این خودداری را شرک به خدا و کفر به آخرت خوانده است، مانند امتناع از دادن زکات، و فرموده: «وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ، وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (فصلت: ۶۷). دلیل اینکه مقصود از این مشرکان مسلمانانی هستند که زکات نمی‌دادند، و یا به عبارت دیگر صدقه نمی‌دادند، این است که سوره «مدرثر» در مکه نازل شده، و زکات به معنای اسلامی‌اش در مکه و در هنگام نزول این سوره واجب نشده بود. حال باید پرسید اگر بی تفاوتی و عدم نفع رساندن و کمک کردن به مردم امری نکوهیده و قبیح است درباره کسی که نه تنها نسبت به فقرا و اقشار ضعیف جامعه بی تفاوت است بلکه نسبت به افزایش قیمت ارز، سکه، مسکن و خودرو که مساوی با ضرر قطعی فقرا است مشتاق و در صورت تحقق از آسیب دیدن آنها شادمان می‌شود چه باید گفت؟

قطعاً این روحیه و حالت روانی امری بسیار قبیح و غیراخلاقی است و می‌تواند منشأ بسیاری از ردایلی اخلاقی همچون تضییع حقوق دیگران نیز شود. بنابراین از جمله آسیب‌های جدی اخلاقی در این زمینه امید داشتن و مشتاق بودن به ضرر مردم و خوشحالی هنگام تحقق آن است.

۳-۴. استدلال مبتنی بر اصل انصاف (قاعده زرین)

آخرین دلیلی که برای غیراخلاقی بودن این سفته‌بازی‌ها بیان می‌شود مغایرت با اصل انصاف و قاعده زرین یا همان قانون طلایی است. بنا بر مفاد قاعده زرین یا قانون طلایی انسان هر چه برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز باید بیسندد و هر چه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران نیز نباید بیسندد (مایکل، ۱۳۹۶، ص ۲۰۷). این قاعده اخلاقی از جمله قواعد مشهور در حوزه اخلاق کاربردی است. دقیقاً مضمون همین قاعده در منابع دینی نیز آمده است. در *نهج البلاغه* از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که ایشان فرزند خود امام حسن علیه السلام را به همین مسئله سفارش نمودند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱).

برخی مفسران همچون علامه طباطبائی مضمون این قاعده را از برخی آیات شریفه نیز به دست آورده‌اند. در آیات ۱-۳ سوره مبارکه «مطففین» آمده است: «وَوَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوهُمْ يُخْسِرُونَ»؛ وای بر کم‌فروشان، کسانی که وقتی از مردم پیمانه می‌گیرند تمام می‌گیرند، و چون پیمانه به مردم دهند یا برای ایشان وزن کنند بکاهند. علامه طباطبائی ذیل آیات شریفه می‌فرماید: کم‌فروشان وقتی از مردم، کالایی می‌گیرند حق خود را به تمام و کمال دریافت می‌کنند، ولی وقتی می‌خواهند کالایی به مردم

بدهند به کیل یا وزن ناقص می‌دهند، و مردم را به خسران و ضرر می‌اندازند. در واقع آیه شریفه یک سیره و روحیه را مذمت می‌کند و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت می‌کنند، ولی برای دیگران رعایت نمی‌کنند. به عبارتی دیگر حق را برای دیگران آن طور که برای خود رعایت می‌کنند رعایت نمی‌نمایند، و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است، و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود همه چیز فاسد می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۷۹).

درحقیقت این نکته همان مضمون قاعده زرین است. کسی که حقوق دیگران را رعایت نمی‌کند، ولی توقع دارد دیگران حقوق او را رعایت کنند. بنابراین کسانی که برخلاف قاعده زرین عمل کنند عملی غیراخلاقی و مذموم انجام داده‌اند.

کسانی که وارد بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو شده و بعد از خرید، آنها را به امید سود شخصی حبس می‌کنند و منفعت دیگران را نادیده می‌گیرند دقیقاً مصداقی از کسانی هستند که قاعده زرین را زیر پا گذاشته‌اند؛ چراکه آنها هرگز راضی نیستند کسی منافع آنها را از بین ببرد اما خود منافع دیگران را با خطر مواجه می‌کنند. با در نظر گرفتن این قاعده نیز می‌توان گفت این نوع سفته‌بازی‌ها کاری غیراخلاقی و قبیح است؛ چراکه این سفته‌بازی‌ها موجب سود و منفعت شخصی و ضرر دیگران می‌شوند بنابراین اگر همان‌طور که انسان برای خود سود می‌طلبد، سود دیگران نیز مطلوب او باشد و همان‌گونه که ضرری برای خود نمی‌پسندد به ضرر دیگران نیز راضی نباشد هرگز سراغ چنین فعالیت‌های اقتصادی نمی‌رود.

نتیجه‌گیری

در پایان باید گفت سفته‌بازی در بازار ارز، مسکن و خودرو و حبس آن به امید افزایش قیمت و سود بردن از مصادیق کنز مذموم در آیه شریفه ۳۴ سوره «توبه» است. این نوع سفته‌بازی مانع رونق در مبادلات اقتصادی و منجر به ایجاد فاصله طبقاتی بین اقشار جامعه، کاهش ارزش پول ملی و در یک کلام اخلال در نظام اقتصادی جامعه می‌شود؛ فارغ از ابعاد قانونی و فقهی این نوع سفته‌بازی با چالش‌های اخلاقی متعددی مواجه است. با بررسی اخلاقی این نوع سفته‌بازی می‌توان گفت به چند دلیل غیراخلاقی و قبیح است. از جمله این ادله می‌توان به اختلال در اقتصاد جامعه، تقدم نفع شخصی بر نفع جمعی، آسیب‌های روان‌شناختی همچون اشتیاق و شادمانی نسبت به ضرر دیگران و منافات داشتن با اصل انصاف اشاره کرد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

ابن فارس، احمدبن، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

حراعلی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم-الدار الشامیه.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

_____، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۷۶، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

_____، ۱۴۱۴ق، الأمالی، قم، دارالثقافه.

عباشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چ چهارم، تهران، الاسلامیه.

مایکل، پالمر، ۱۳۹۶، مسائل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل یویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

محمدزاده، یوسف و همکاران، ۱۳۹۷، «رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب های اجتماعی در کشورهای منتخب با

رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته»، رفاه اجتماعی، سال هجدهم، ش ۸ ص ۱۶۷-۱۹۹.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، چ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی